

مقدمه:

هر چه زمان می گذرد و پژوهشگران دستاوردهای علمی جدیدی می یابند، شگفتی های بسیار و نظم های تازه ای در جهان کشف می شود که هر دانشمندی را معترف به علم و قدرت بی پایان خالق می کند و هر عالمی را به خضوع و خشوع در مقابل خالق بی همتا، بی نهایت و بی نیاز می کشاند و هر بیدار دل بصیری را به رکوع و سجود اختیاری دعوت می کند.

آنچه تعجب و شگفتی را در این میان دوچندان می کند، تطابق این تحقیقات و دستاوردهای علمی روز با دستورات دین است. این حقیقت گواه آن است که آفریننده ی انسان و جهان، از نظم، شگفتی ها، منفعت ها و ضررهای اشیا و موجودات کاملاً با خبر بوده و اوست که دین را برای بهره گیری کامل انسان ها از مصلحت های شخصی و اجتماعی و دفع و رفع ضررها فرستاده است. اما زمانی که دلیل های محکم عقلی و فطری بعضی از دستورات دین را می فهمیم و می بینیم که آن دستورات حتی در جوامع بی دین یا امت های پیش از اسلام، براساس فطرت آنان رایج بوده و دین اسلام آن دلایل را تأیید کرده است، برحیرتمان افزوده می شود و البته تعجب ما وقتی دو چندان می شود که بدانیم آن جوامع قرن ها پیش از اسلام، هیچ اشراف و احاطه ای بر دلیل های عقلی احکام امروزی دین نداشته اند و با گذر زمان، هر روز حقایق و اسرار تازه تری از آن کارها برای دانشمندان کشف می شود.

❖ آزادی فکر

متن زیر، قانون یکی از دانشگاه ها درباره ی نوع لباس دانشجویهاست. بخوانید و حدس بزنید از کدام دانشگاه است؟

« پوشیدن تی شرت، زیرپیراهن، لباس های ورزشی، شلوارک، دامن شلواری، دامن های خیلی کوتاه، جوراب شلواری، شلوارهای بسیار تنگ یا شلوار زیر مجاز نیست. همچنین استفاده از کفش های ورزشی و صندل های راحتی ممنوع است».

کدام دانشگاه؟ دانشگاه امام صادق؟ یا شاید هم دانشگاه الزهرا؟

خیر! این قوانین متعلق به دانشگاه هاردين سیمونز آمریکاست. جالب است بدانید بسیاری از دانشگاه های سطح اول غرب، قوانینی این چنینی برای رعایت پوشیدگی در دانشگاه ها و محیط های علمی وضع کرده اند.

دولت های غربی از طرفی، مردم خود را تشویق به برهنگی در کف خیابان و سطح جامعه می کنند ولی از طرفی دیگر با وضع قوانینی، افراد را به پوشیدگی در دانشگاه سوق می دهند. بالاخره پوشیدگی خوب است یا بد؟ آزادی خوب است یا بد؟

اگر « برهنگی یا آزادی لباس » خوب است، پس چرا برای لباس دانشجویها قانون تعیین می کنند؟ اگر پوشیدگی خوب است و آن را برای محیط های علمی لازم می دانند، پس چرا این نسخه را برای همه جامعه نمی پیچند؟ چرا مردم را در دانشگاه تشویق به پوشیدگی و در سطح جامعه و خیابان تشویق به برهنگی می کنند؟

حالا برویم سراغ آزادی. اول ببینیم آزادی چیست؟ انسان ها تا کجا آزادند؟ آیا آزادی به این معناست که هرکسی هر طور خواست رفتار کند؟ در همان کشورهای غربی مرز آزادی تا کجاست؟

مثلاً من آزادم با ماشینم هر جایی خواستم بروم، ولی آیا می توانم در مسیر مردم بایستم و راهشان را ببندم؟ من آزادم برای خودم بخوانم؛ ولی آیا می توانم کنار کسی بایستم و در گوش او فریاد بزنم؟ من آزادم هر وقت بخواهم حمام کنم؟ اما آیا می توانم با بدن کثیف و لباس چرک توی قطار و اتوبوس بنشینم؟

و صدها مثال دیگر، پس اگر بنا باشد آزادی را به معنای بی قانونی بدانیم؛ سنگ روی سنگ، بند نخواهد شد. ما معتقدیم انسان ها آزادند ولی تا جایی که مزاحم آزادی دیگران نشوند. من آزادم رانندگی کنم ولی تا جایی

که جان دیگران را به خطر نیندازم. آزادم بوق بزنم ولی نه جلوی بیمارستان. من آزادم هر وقت دلم خواست حمام بروم، نه به این قیمت که دیگران را در اتوبوس آزار بدهم!

به این نتیجه رسیدیم انسان ها آزادند تا جایی که مزاحم آزادی دیگران نشوند. حالا ما که هیچ! حتی غربی ها نیز در عمل، برهنگی و لباس نامناسب را منافای آزادی فکر می دانند. اگر چنین اعتقاد و باوری نداشتند، این قانون ها را برای دانشگاه هایشان وضع نمی کردند. باور آن ها این است که دانشگاه فقط برای درس خواندن و آموختن است و می کوشند هر چیزی که حواس دانشجویان را پرت می کند، حذف شود. آدمیزاد به جنس مخالف خودش کشش جنسی دارد، اصلاً این گونه آفریده شده است و این هم دلیل خودش را دارد. اگر بنا شد در سطح جامعه جذابیت های جنسی به نمایش گذاشته شود؛ ده ها نتیجه ی منفی خواهد داشت که اولین آن ها، **مشغول شدن فکرهاست**.

غرب شعار آزادی سر می دهد، ولی منظورش **آزادی تن** است. اما وقتی ما می گوئیم آزادی می خواهیم، منظورمان **آزادی فکر** است. ببینید چقدر فرق داریم؛ ما دنبال آزادی فکریم و آن ها دنبال آزادی بدن.

حالا این پرسش مطرح می شود که : « چرا پوشیدن لباس نامناسب یکی از عوامل مهم مشغولیت فکر و ذهن است؟ »

ذات زنان و دختران به زیبا شدن تمایل دارد. آن ها دوست دارند دلربا، زیبا و محبوب باشند چون این گونه آفریده شده اند. وقتی دختر خانمی با نمایش زیبایی هایش، در کلاس درس یا محل کار حاضر می شود و در کانون توجه دیگران قرار می گیرد، می تواند بر درس و کارش تمرکز کند؟ راستش را بخواهید تمرکز برای او دشوار است چون باید از اول صبح دغدغه ی زیبایی و آرایش خود را داشته باشد و وقت زیادی را جلوی آینه بگذراند. شاید کسی لجاجت کند و نپذیرد، ولی همه می دانیم که این، کار سختی است. البته بحث آراستگی جداست. علاوه بر این، باید نگاه های هرزه ای را که همواره او را دنبال می کنند تحمل کند. خانم وندی شلیت، فعال حقوق زنان در آمریکا می گوید:

« اگر انسان دائماً بخواهد به زیبایی ظاهر خود بپردازد و کاری کند که دیگران به او حس خوبی داشته باشند، خود را در حالتی طاقت فرسا و خسته کننده قرار می دهد.»

برای آقایان نیز همین طور است؛ پسری که در کلاس درس، پیش روی دختر خانمی می نشیند که پوشش عفیفاً نه دارد، چقدر می تواند به درس و فعالیت علمی خود توجه کند؟ آیا تمرکزش را از دست نخواهد داد؟

وقتی میل و حواس آن آقا پسر ناخودآگاه به جذابیت های دختر خانمی که کنارش نشسته معطوف می شود، چگونه باید حواسش را به درس بسپارد؟ در چنین اوضاعی، فکر مشغول می شود و دیگر دختر و پسر نمی توانند روی درس و کارشان متمرکز شوند؛ آن وقت می بینیم بازدهی تحصیلی کم می شود. داشتیم از تمرکز بر زیبایی ظاهر می گفتیم، ما گاهی آن قدر روی ظاهرمان تمرکز می کنیم که از خودمان وا می مانیم.

خانم وندی شلیت می گوید:

« شاید جای تعجب نباشد که اعتماد به نفس پایین، عمومی ترین مشکل یک زن متجدد و مدرن است. ما آن قدر عادت کرده ایم فقط به ظاهر خود توجه کنیم که تقریباً از خود حقیقی مان غافل شده ایم.»

با این توضیحات متوجه شدیم پوشیدن لباس نامناسب موجب اشتغال فکری خواهد شد که نمونه ای از آن را در کلاس درس گفتیم؛ اما همه جا همین طور است و فرقی ندارد؛ محل کار، کوچه و خیابان، هنگام رانندگی و... به نظر شما پوشش مناسب چقدر بر تمرکز حواس تأثیر می گذارد؟

وقتی فکر، آزاد باشد، ثمرات آن نیز روشن می شود؛ ثمراتی نظیر آرامش، نداشتن اضطراب، قدرت تفکر، خوش اخلاقی و...

❖ پیشرفت علمی

به دلمان اگر نگاه کنیم، خیلی چیزها می خواهد. مثلاً اگر توی کوچه کیفی پر از طلا و پول پیدا کنیم، حتماً دلمان می خواهد آن را برای خودمان برداریم. اما در مقابل وسوسه ی این کار، مقاومت می کنیم. فکر می کنید چه عاملی باعث می شود این کار را انجام ندهیم؟ پاسخ ساده است؛ عقلمان! عقلمان می گوید که

برداشتن اموال دیگران کار درستی نیست و باید آن را به دست صاحبش برسانیم. یا مثلاً دلمان می خواهد تا لنگ ظهر بخوابیم؛ ولی عقلمان می گوید اگر می خواهی آینده ی خوبی داشته باشی، باید درس بخوانی. پس اول صبح بر می خیزیم و مشغول درس خواندن می شویم. دلمان می خواهد اتاقمان را هیچ وقت تمیز نکنیم، ولی نمی شود؛ مگر نه؟ و هزار دل خواهی های دیگر! بیایید این دل خواهی ها را در سطح کلان تر بررسی کنیم. بعضی دانشجویان می گویند ما دلمان می خواهد کلاس هایمان مختلط باشد. بگذارید چند لحظه جلوی حرف دلمان بایستیم و این موضوع را عاقلانه بررسی کنیم.

سال ۲۰۰۹ در انگلیس، پژوهش گسترده ای انجام شد و ۷۰۰ هزار دخترخانم در آن شرکت کردند. موضوع پژوهش این بود که کلاس های مختلط چه تأثیری بر نمرات آن ها دارد. نتایج شوکه کننده بود : « اگر دختران در محیط هایی باشند که پسران حضور ندارند، نمرات بهتری کسب می کنند.» عجیب نیست که پژوهشگران انگلیسی همان حرف ها را می زنند که اسلام می زده؟! جالب تر اینکه نتیجه ای را که انگلیسی ها بعد از پژوهش روی ۷۰۰ هزار دختر خانم گرفته اند، اسلام هزار و ۴۰۰ سال پیش برایمان توضیح داده بود.

پیش تر در سال ۲۰۰۸ نیز دولت ایالات متحده ی آمریکا پژوهشی را در این باره انجام داد؛ این تحقیق اثرات تفکیک جنسیتی در دانشگاه ها را این چنین اعلام کرد:

۱- کاهش روابط جنسی نامشروع میان معلمان و دانش آموزان؛

۲- کاهش اختلالات رفتاری دانش آموزان؛

۳- کاهش اذیت و آزار جنسی در بین دانش آموزان؛

۴- افزایش اعتماد به نفس دانش آموزان؛

۵- بکارگیری آموزش های متناسب با نیاز دختران و پسران به صورت اختصاصی؛

۶- کاهش حواس پرتی در زمان یادگیری؛

۷- آزادی انتخاب در نوع آموزش.

یکی از ثمرات مهم آزادی فکر انسان، پیشرفت علمی است. امروز حتی اندیشمندان غربی نیز توصیه می کنند محیط آموزشی دختران و پسران مجزا باشد. چرا؟ وقتی مشغولیت ذهنی کاهش یابد، تمرکز روی هر فعالیتی، از جمله درس خواند، افزایش می یابد. نتیجه ی داشتن تمرکز در هر کاری، پیشرفت در آن کار و فعالیت خواهد بود.

اینجا باز از غربی ها همان سوال مهم را می پرسیم. شما زنان جامعه ی خودتان را به پوشیدگی در دانشگاه و برهنگی در سطح جامعه تشویق می کنید. شما که طرفدار برهنگی یا به قول خودتان آزادی هستید، پس چرا دانشجویان را آزاد نمی گذارید؟ در اینکه مردم و جامعه به غرایض جنسی خودشان سرگرم باشند، چه نفعی برای شما نهفته است؟

❖ استحکام و پایداری خانواده

دکتر باربارا دی آنجلیس، کارشناس مشهور خانواده، در قسمتی از کتاب خود مطلبی مهمی را بیان می کند. این مطلب با نامه ای شروع می شود که خانمی برای او فرستاده است:

« باربارای عزیز، همسر من عاداتی وحشتناک دارد. او با زنان دیگر بگو و بخند می کند. این کار او واقعاً مرا عصبانی می کند. جلوی چشم من به زنای دیگر نگاه می کند و با آن ها حرف می زند. وقتی به او اعتراض می کنم، همه چیز را انکار می کند و می گوید تو حسودی! رفتار او باعث می شود احساس نگرانی و ناامنی داشته باشم.»

دکتر دی آنجلیس این نگرانی را از حساسیت بیش از حد خانم ها نمی داند، بلکه می گوید:

« بی بندوباری مردها بزرگ ترین دشمن روابط زناشویی است و حتی مطمئن ترین و با اعتماد به نفس ترین زن ها را از لحاظ احساسی کاملاً به هم می ریزد.»

او همچنین می گوید:

« اگر آقایان می خواهند با همسر خود رابطه خوبی داشته باشند، باید همه ی توان و توجه و تعامل خود را، فقط و فقط وقف همسرشان کنند. شاید ارتباط آقایان با زنان دیگر در ابتدا تأثیری بر روابط با همسرشان

نداشته باشد، ولی به تدریج متوجه اثرات منفی آن می شوند که تمایل کمتری به همسر خود دارند و روابط خصوصی شان کم رنگ تر شده است و در نهایت یک روز که از خواب بیدار می شوند، احساس می کنند دیگر تمایلی به همسرشان ندارند. همه ی عشق و علاقه به همسرشان از بین رفته و زمانی متوجه این قضیه می شوند که خیلی دیر شده است. مشکل اینجاست که اکثر مردها تصور می کنند تا وقتی با زنی رابطه ای جدی برقرار نکرده اند، به همسر خود وفادار بوده اند؛ اما باید بدانند آنچه در ذهنشان می گذرد به مراتب قوی تر از این است که حرکتی فیزیکی و جنسی انجام دهند.»

دی آنجلس خطاب به مردان می گوید:

« وقتی متوجه می شوید خانمی زیبا کنارتان نشسته، اگر ذهن شما درگیر شده و به او نگاه کنید یا حتی در ذهن خود با او حرف بزنید، بدین معناست که شما موقتاً تعهدتان نسبت به همسر و زندگی خود را فراموش کرده و انرژی خود را در جایی دیگر، یعنی وجود آن زن غریبه صرف کرده اید. شاید شما از لحاظ فیزیکی کاری انجام نداده باشید؛ اما انگار از لحاظ ذهنی ایستاده اید، چند لحظه پیش آن خانم غریبه رفته اید و مجدداً به جای خود برگشته اید. به همین دلیل است که اکثر خانم ها از این گونه رفتارها و عادت های همسرشان بیزارند {مگر اینکه خودشان این گونه باشند}.»

در فیلم های سینمایی هالیوود طوری نشان داده می شود که انگار تعهد نداشتن و خیانت برای مردم غرب عادی شده است؛ ولی این طور نیست. ذات زن ها خیانت را تاب نمی آورد.

همان طور که می دانید یکی از اهداف مهم ازدواج، آرامش زن و مرد در کنار یکدیگر است. به نظرتان عوامل آرامش بخش در خانواده را باید تقویت کنیم یا تضعیف؟ اگر عاقلانه بخواهیم پاسخ دهیم، حتماً خواهیم گفت باید تقویت شود. عقل می گوید باید عشق زن و مرد به یکدیگر و محبت و اطمینان آن ها به هم، هر روز بیشتر از قبل شود. همچنین، هر عاملی را که موجب تضعیف عشق زن و مرد و سردی روابطشان می شود، باید از میان برداشت! تا اینجا، مطالبی را که گفتیم قبول دارید؟

خانمی که سرکلاس یا در محیط کار، در معرض محبت و مهربانی دروغین مردان مختلفی باشد، از بداخلاقی های همسر خود چه احساسی خواهد داشت؟ آقایی که در کوچه و خیابان، صدها زن را با آن همه

جذابیت می بیند، می تواند در کنار همسر خود به آرامش برسد؟ زندگی شان ختم به خیر خواهد شد یا سرانجام آن ها جدایی و طلاق خواهد بود؟

آقا پسر و دختر خانمی را فرض کنید که در دوران مدرسه، دانشگاه یا در محل کار با دختر و پسرهای متعددی دوست بوده اند، انواع و اقسام آدم ها را دیده اند و رابطه داشته اند. کسی که قبل از ازدواج به خودش اجازه می داده با هرکسی دوست شود، حتی گاهی با چندین نفر هم زمان، آیا بعد از ازدواج می تواند به همسرش وفادار بماند و با شخص دیگری رابطه برقرار نکند؟ برای این افراد ازدواج محدودیتی شدید است، چون اصل وفاداری اجازه نمی دهد آن رفتارها را تکرار کنند. در گذشته، هرکجا می خواستند می رفتند، با هر کسی که می خواستند، دوستی می کردند و حالا که ازدواج کرده اند، باید فقط با یک نفر باشند و این قطعاً با تمایلاتشان جور در نمی آید! بعد از ازدواج، واقعیات همسر خود را با ویژگی های ظاهری و البته دروغین افراد دیگر مقایسه خواهند کرد. برای مثال، همسرشان را که آشپزی کرده و بوی غذا گرفته است با بوی عطر دوست دخترشان مقایسه خواهند کرد. پس از ازدواج، ظاهر ساده ی همسر خود را بصورت همیشه آرایش شده ی دوست دخترشان مقایسه می کنند و...

دختران نیز محبت و عشق دروغین دوست پسرشان را با خستگی و بداخلاقی همسرشان مقایسه خواهند کرد! در این قسمت لازم است دو نکته را یادآوری کنیم:

نکته ی اول: اینکه ممکن است کسی قبل از ازدواج روابط متعدد داشته باشد، ولی پس از ازدواج پشیمان شده و پایبند همسر و زندگی مشترکش شود. این مورد نیز وجود دارد.

نکته دوم: ممکن است کسی بگوید: «دوست دختر یا دوست پسر من با همه فرق دارد و اصلاً این طور که شما می گوئید نیست!» این دوستان دچار یک اشتباه مهلک شده اند. وقتی دختر و پسری با هم دوست هستند، فقط در بخشی از زندگی هم شریک می شوند و بسیاری از لحظه های زندگی شان در کنار هم نیستند؛ اما پس از ازدواج این گونه نیست. مشکلات اقتصادی، بیماری، روابط با خانواده ها، خستگی ناشی از کار و بسیاری از عوامل دیگر باعث می شود گاهی همسران حتی حوصله نداشته باشند با هم صحبت کنند. ازدواج روز خوش و روز ناخوش دارد ولی در دوستی ها بیشتر خوشی دیده می شود نه ناخوشی.

بر می گردیم سر بحث اصلی. از ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۰ پژوهشی روی ۷ هزار مرد و زن آمریکایی انجام شد. یک بار افراد در ۱۸ سالگی بررسی شدند و یک بار دیگر، همان افراد در ۳۸ سالگی. نتایج این پژوهش نشان داد افرادی که تا پیش از ازدواج پاک دامنی خود را حفظ کرده اند، در مقایسه با افرادی که قبل از ازدواج روابط آزاد داشته اند، ۵۰ درصد کمتر طلاق گرفته اند. همچنین میانگین درآمد آن ها ۲۰ درصد بیشتر از دیگران است و در زمینه ی تحصیلی هم مدارج عالی تری کسب کرده اند!

باید تأکید کنم نتیجه ای را که امروز موسسه های تحقیقاتی در آمریکا گرفته اند، پیامبر مهربان ما هزار و ۴۰۰ سال پیش برایمان گفته بود. خیلی شگفت آور است چون آن زمان نه فرضیه ای بود و نه پژوهشی که ۷ هزار نفر در آن شرکت کنند.

برای آن ها که به روابط آزاد جنسی قبل از ازدواج باور دارند، ازدواج، آغاز محدودیت و محرومیت است، چون افراد باید بعد از ازدواج دوست های متعدد خود را کنار بگذارند و فقط به یک نفر وفادار باشند. در مقابل، در جامعه ای که روابط جنسی را محدود به ازدواج می کند، این پیوند آسمانی پایانی بر محرومیت و انتظار است و آغازی برای دوران شیرین زندگی مشترک و رسیدن به آرامش.

پوشش عقیقانه باعث می شود زن از نگاه های آلوده ی افراد هوس باز و گرفتار شدن در دام عشق های آزاد خیابانی محفوظ بماند و به زندگی و خانواده ی خود وفادار باشد.

از طرف دیگر، رواج بی بند و باری باعث می شود مردهای بیمار به جای توجه و محبت به همسرانشان، به دنبال لذت جویی از زنان بدپوشش کوچه و بازار باشند. در نتیجه، عشق و علاقه میان همسران از بین می رود و باعث فروپاشی و سقوط خانواده می شود.

شاید به همین دلیل است که دکتر باربارا دی آنجلیس، حتی صرف نگاه مرد به زنان غریبه را نوعی خیانت به همسر و عامل تخریب زندگی می داند.

خیانت و ارتباط آن با پوشش

خیانت از هر نوعی که باشد ناپسند است. گرمای زندگی، نیازمند تعهد و وفاداری زن و مرد به همدیگر است. وقتی زندگی بوی خیانت گرفت، احساس امنیت و آرامش از بین می رود و اضطراب و تنش جایگزین آن

خواهد شد. شاید تا به حال فکر می کردیم خیانت یعنی شخصی که همسر دارد با شخص دیگری رابطه ای نامشروع داشته باشد؛ اما این طور نیست. پژوهشگران خانواده، خیانت را دارای مراحل و مراتبی از « نگاه » تا « هم بستری » می دانند.

دکتر عباس پسندیده در کتاب رضایت زناشویی مراتب مختلف خیانت را به این شکل بیان می کند:

۱- **خیانت دیداری:** نگاه کردن و داشتن پوششی نامناسب برای غیر همسر (چه مرد و چه زن):

« مرد و زن با رعایت پوشیدگی، زیبایی های خود را فقط برای همسر قانونی و شرعی خود نگه می دارند؛ ولی با لباس زننده، همسر خود را از این حق انصاری محروم کرده و دیگران را با همسر خود در استفاده از این حق شریک می کنند. اگرچه ظاهراً اعتراف نکند، انکار نمایند یا از این امر غافل باشد، اما عملشان همین را می گوید.»

۲- **خیانت گفتاری- شنیداری:** گفت و گویی تحریک کننده با غیر از همسر و شنیدن آن.

۳- **خیانت لمسی:** دست دادن، تماس بدنی و...

۴- **خیانت قدمی:** حرکت و اقدام برای تحقق انواع دیگر خیانت.

۵- **خیانت بویایی:** استفاده از بوی خوش برای نامحرم.

۶- **خیانت قلبی:** عاشق شدن و دل بستن به غیر از همسر.

۷- **خیانت آمیزشی**

خانواده ی خوب خانواده ای است که همسران در آن « کانون توجه » باشند و هیچ یک از دو طرف به چیزی جز آن نیندیشد، وقتی کسی چشمش در خانواده ولی « توجه و فکرش » در بیرون از خانه است؛ این وضعیت، موجب ناسازگاری، بی مهری، بدزبانی و نارضایتی می شود و شادی و آرامش خانواده را از بین می برد.

بد نیست بدانید طبق گزارش British Broadcasting Corporation ، حدود ۴۲ درصد از انگلیسی ها، ۵۸ درصد از فرانسوی ها و ۳۶ درصد از آمریکایی ها در یک بازه ی زمانی با بیش از دو نفر ارتباط خصوصی داشته اند. این نتیجه ی جامعه ای است که حاکمان آن فرهنگ برهنگی را ترویج می دهند!

خیلی از احکام اسلامی درباره ی محرم و نامحرم، درباره ی پوشش و... برای این است که زن و مرد در خانه خود به هم محبت داشته باشند. اگر فکر و ذهن افراد در بیرون از خانه به موج رنگین زنان و مردان نامحرم دیگر درگیر شود، آن وقت چگونه زن و شوهر می توانند برای هم جاذبه داشته باشند؟

در آن صورت حضرت یوسف هم که باشد، بالاخره برای همسرش عادی خواهد شد. زلیخا هم که باشد، بالاخره برای شوهرش عادی می شود و بیرون از خانواده دنبال ارضای نیاز خود خواهد گشت.

❖ **شیفتگی زن و مرد، محدود به حریم خانواده**

هر کسی توانایی و قدرت خاص خود را دارد؛ برای مثال، یکی قدرت بدنی زیادی دارد و دیگری هوش سرشاری دارد. مأموران راهور با جریمه کردن راننده ی خطاکار باعث می شوند دیگر جرمی مرتکب نشود. آیا مأمور راهور می تواند بدون هیچ قید و شرطی، همه را از دم جریمه کند؟ نه! برای او قانون خاصی مشخص کرده اند و گفته اند هر کسی از آیین نامه ی رانندگی تخلف کرد؛ جریمه اش کن. آیا فرد رزمی کار می تواند حرکات رزمی اش را در خیابان، روی هر کسی که از کنارش گذشت اجرا کند؟ نه! باید برود باشگاه و با هم رشته ای هایش مبارزه کند.

حالا بیاییم سر بحث خودمان. زن و مرد قدرت خاصی دارند: « زن شکارچی است و مرد شکار »؛ یعنی زن با قدرت زیبایی و جذابیت خود، مردان را شکار می کند، مرد نیز در دام زیبایی زن می افتد و شکار او می شود. آیا می توانیم بگوییم چون ذات ما این گونه است، پس هر زنی می تواند هر مردی را که دید با قدرت جذب خود شکار کند و هر مردی خودش را در دام شکار هر زنی بیندازد؟

اگر زن هستیم، به این فکر کنیم که آیا دوست داریم همسرمان دل بسته ی زنی دیگر باشد؟ و اگر مرد هستیم به این فکر کنیم که آیا دوست داریم دیگران به همسرمان نگاه بد داشته باشند؟

برخی می گویند خودنمایی و جلوه گری یکی از نیازهای فطری زن هاست؛ غذا و خوراک هم یکی از نیازهاست؛ آیا می توانیم هر گیاهی را که دیدیم بخوریم؟ مثلاً هر نوع قارچی را می توان خورد یا بعضی قارچ ها سمی اند؟ آیا می توانیم پشت سر هم ۱۰ لیوان آب بخوریم چون آب برای حیات ما ضروری است؟ خودنمایی و جلوه گری هم مثل قارچ می تواند سمی باشد، باید در جای خودش و در موقعیت مناسب خودش به کار

برود. باید به اندازه باشد. اگر از ضابطه و قانون خود خارج شد، آن وقت مضر و آسیب زا می شود. اسلام برای قانونمندان «جاذبه ی زنانگی و مردانگی»، قانون «حفظ حریم و پوشش» را مشخص کرده است. مرد نباید به خودش اجازه دهد به حریم هر زنی وارد گردد و به او نزدیک شود. زن نیز نمی تواند با جلوه گری، توجه دیگران را به خود جلب کند؛ بلکه هر دو باید با حفظ پوشیدگی و حفظ حریم، این جاذبه را محدود به حریم خانواده کنند.

❖ امنیت بیشتر

امنیت یکی از نیازهای طبیعی و ضروری انسان هاست. اگر امنیت از کسی گرفته شد، یعنی زندگی از او گرفته شده است.

دکتر دی آنجلیس یکی از سه اصل اساسی را که همه ی زنان به آن نیازمندند، نیاز به «احساس امنیت» می داند. به نظر شما نوع پوشش چقدر در تأمین احساس امنیت نقش دارد؟

اگر انسان ها در زندگی روزانه ی خود، در کوچه و خیابان، در محل کار و تحصیل، احساس امنیت نکنند و همیشه در حالت ترس و دلهره باشند، چه تبعاتی برایشان خواهد داشت؟ بالاخره همیشه افرادی هستند که به دلیل نداشتن تربیت صحیح، به دنبال فرصتی هستند تا از افراد ضعیف تر سوء استفاده کرده و به آن ها بی حرمتی کنند. چنین اشخاصی به سمت کدام دختران خواهند رفت؛ دخترانی که پوششی عفیفانه دارند یا دخترانی که با ظاهری آن چنانی، زیبایی خودشان را به رخ دیگران می کشند؟

دخترانی که با وضع نامناسبی در جامعه حاضر می شوند، بسیاری از اوقات از آدم های بی تربیت، حرف های زشت و متلک می شنوند و مزاحمشان می شوند. نه امنیت جسمی دارند و نه امنیت فکری! ولی در مقابل، خیلی کم دیده ایم که کسی برای خانمی با پوشش کامل و عفیفانه مزاحمت ایجاد کند، به او متلک بگوید و حرف زشت بزند. البته شاید بگویید اگر کسی بخواهد تعرض کند، با حجاب و بی حجاب فرقی برایش ندارد؛ اما واقعاً این طور نیست.

من یک سوال می پرسم، ضرورت بستن کمربند ایمنی چیست؟ حتماً می گویند برای حفظ جان در مواقع خطر، اما آیا کمربند ایمنی، به صورت صد درصد جان افراد را حفظ خواهد کرد؟ قطعاً نه! اما مهم این است که کمربند ایمنی، میزان زیادی از خطرات را کاهش می دهد.

پوشش عقیقانه نیز همین طور است. پوششی که کامل و عقیقانه باشد کمک می کند بانوان از خطرات بسیاری در امان بمانند و خطر تعرض را کاهش می دهد. البته بعضی آدم های مریض هستند که پوشش زنان برایشان فرقی ندارد و دنبال فرصتی برای تعرض هستند؛ ولی پوشش مناسب می تواند بخش زیادی از نگاه های ناپاک و افکار پلید را از شما دور کند.

فکر می کنم اکنون متوجه شده باشید که چرا آمار تجاوز جنسی در اروپا و آمریکا این قدر زیاد است. این را ما نمی گوئیم آمار خودشان است که اعلام شده است. به تیر این خبر توجه کنید:

« تعرض جنسی در انگلستان همه گیر شده است »

این عنوان تیر گزارشی در روزنامه ی گاردین است. در این گزارش با استناد به تحقیقی میدانی، نشان داده شده که در انگلستان از هر پنج زن، در زمان دانشجویی، به یکی تعرض جنسی شده است.

این فاجعه است که در کشوری پیشرفته و با این همه امکانات مادی، نیمی از آن جامعه که زنان هستند، امنیت جنسی ندارند! خودشان گزارش کرده اند که از هر پنج زن، یک زن تعرض جنسی را تجربه کرده است! نه از هر ۵ هزار زن یا از هر ۵۰۰ زن. در این گزارش آمده است: « افراد متجاوز از الکل به عنوان سلاحی برای ناتوان شدن قربانی و تجاوز به وی بهره می برند. » از اینجا معلوم می شود بحران جنسی در انگلستان، قضیه توافقی و با رضایت طرفین نیست، بلکه با اجبار و تجاوز همراه است. بیایید صادق باشیم؛ اوضاع در جامعه ی اسلامی ما خیلی بهتر است. اسلام نگاه پر محبتی به زن دارد.

امام علی (ع) در جامعه ی آن روز، که زن موجودی حقیر و بی ارزش محسوب می شد، فرموده اند: « زن مثل گل است؛ یعنی باید با آن ها مثل گلی لطیف و ظریف رفتار کرد. زن پیشکار و خدمتکار خانه نیست؛ یعنی مردان نمی توانند کارهای سخت را به زن محول کنند. » این است دفاع از حقوق زن، نه اینکه زنان را به برهنگی و کارهای جنسی بکشانیم و بعد ژست دفاع از حقوق زنان بگیریم.

اسلام اگر چیزی را ممنوع کرده، برای جلوگیری از بروز همین آمارهای وحشتناک است؛ برای این است که از نابود شدن زندگی یک دختر معصوم در ابتدای جوانی جلوگیری کند.

جوامع مختلف برای تعیین نوع پوشش خود دو راه دارند؛ یا به سمت پوشش و پوشیدگی بروند یا به سمت برهنگی و خودنمایی. عقل می گوید از تجربه های دیگران استفاده کنیم و اشتباهاتشان را تکرار نکنیم. اکنون که در کشورهای غربی افسار شهوت رها شده است، جامعه شان آن چنان به لجن کشیده شده که افراد شیطان صفت و هوس باز، بعد از زنان، حتی به پسران خردسال هم رحم نمی کنند و بعد از پسران، حیوانات بی زبان هم از این خشونت جنسی در امان نیستند. مشخص است که دلیل این همه خشونت در غرب، ولنگاری جنسی است.

خانم وندی شلیت در کتاب دختران به عفاف روی می آورند، می گوید:

« نوع پوشش یک زن جوان، بدون اینکه خودش متوجه باشد، می تواند او را به وسیله ی سرگرمی متحرک برای مردان تبدیل کند و یا برعکس گاهی باعث می شود مردم به ویژگی های درونی او توجه کنند. بسیار دیده ام دختر نوجوانی در ایستگاه اتوبوس یا داخل فروشگاه ایستاده است و با خوش حالی به جلو نگاه می کند، در حالی که پیرمردی از پشت سر به لباس های بدن نمای او خیره شده است. اگر با این دختر صحبت کنی، احتمالاً می گوید دارم با این نوع لباسم شخصیت -بالای- خودم را نشان می دهم؛ اما مردی که پشت سر او هست دقیقاً برعکس این را می بیند، یعنی اجزای بدن او را.»

دین زیبای اسلام با ضروری دانستن پوشش، از اینکه زن بازیچه ی دست شهوت پرستان باشد و ارزشش طوری پایین بیاید که فقط وسیله ای برای لذت جویی باشد، جلوگیری کرده است. در واقع حجاب مثل پرده ای است که باعث شناخت زیبایی های اخلاقی و معنوی، قبل از زیبایی های جسمی و ظاهری می شود.

مگی دختر ۲۰ ساله ای از آمریکاست که مقاله ای را به نام «هنر عفت» نوشته است. او در آغاز مقاله ی خود می گوید:

« به آسانی نمی توان کاری کرد که دیگران به عقاید و ارزش های شما توجه کنند، ولی اگر اجازه ندهید ظاهر شما را زیاد ببینند؛ مجبور می شوند توجه خود را به باطن شما معطوف کنند. من دامن هایی بلند و لباس هایی دکمه دار می پوشم تا این پیام را به دیگران بدهم که شخصیت من فقط در ظاهرم خلاصه نمی شود.»

❖ حفاظت بیشتر، ارزش بیشتر

عقل می گوید هر چیزی ارزشمندتر است باید محفوظ تر بماند؛ مثلاً چرا هزار نیروی امنیتی از فلان رئیس جمهور دنیا محافظت می کنند؟ آیا حفاظت از او محدودش می کند؟ نه! اتفاقاً با این کار به او آزادی می بخشند تا بتواند بدون مزاحمت و خطر، به وظیفه ی اصلی اش که اداره ی کشور است، عمل کند. می گوییم این دلیل ما عقلی است؛ یعنی نیازی نیست برویم به دفتر آن رئیس جمهور یاد بدهیم که باید از شخص رئیس جمهور محافظت کنید. خودشان به دستور عقل این را می دانند. رئیس جمهور با بقیه فرق دارد و موقعیتش حساس تر است، پس این موقعیت ایجاب می کند که در حفاظت شدید نیروهای امنیتی باشد.

همه قبول داریم که زن و مرد از لحاظ انسانی برابرند، اما شکی نیست که از نظر زیبایی، زنان زیباتر محسوب می شوند. زیبایی و ارزشمندی زن ایجاد می کند که برای حفاظت خود سخت گیری بیشتری کند. زن، ظریف هم هست؛ به دلیل همین ظرافت، آسیب پذیری زن از مرد خیلی بیشتر است. اسلام می گوید با پوششی سرتاسری و عقیفانه خودتان را بیوشانید تا از خطرات و آسیب ها در امان باشید.

❖ حجاب عامل حفظ حیا

حیا انسان را از پلیدی ها و زشتی ها دور می کند. فرد باحیا سعی می کند کارهایی را که دین، عقل یا فرهنگ آن را نادرست می داند، انجام ندهد؛ مثلاً انسانی که چنین ویژگی زیبایی دارد، به خود اجازه نمی دهد هر حرفی را بر زبان آورد؛ در هر مکانی حضور یابد؛ به خود اجازه ی انجام دادن هر کاری را نمی دهد و برای خود و شخصیتش ارزش و احترام قائل است. در مقابل، افراد بی حیا برای گفته ها و کارهای خود محدودیتی قائل نیستند و برایشان مهم نیست مردم درباره ی آن ها چه می گویند.

زبان‌شان دریده و تند است و از انجام دادن کارهای ناپسند و زشت هراسی ندارند. برای نمونه، کسی که بی حیاست خیلی راحت به همسر یا پدر و مادر خود توهین می‌کند. حیا اصلی فطری است که در همه ی انسان ها وجود دارد؛ البته اگر دست کاری نشده باشد. نوع پوشش می‌تواند تأثیر زیادی بر حفظ و تقویت گوهر حیا یا نابودی آن داشته باشد. این اصل فقط به خانم ها مربوط نمی‌شود، بلکه آقایان نیز هر چقدر پوشیده تر باشند، از حیای بیشتری برخوردار خواهند بود. رابطه ی حیا و پوشش مانند رابطه ی شاخ و برگ با ریشه درخت است. ریشه ی درخت موجب به وجود آمدن شاخ و برگ و شاخ و برگ موجب محکم شدن ریشه می‌شود. حیا نیاز به پوشش را در وجود شخص پدیدار می‌کند و همچنین «پوشش و حجاب» موجب تقویت و استحکام حیا می‌شود.

با این توضیحات، اگر کسی گفت من حجاب نمی‌خواهم، دل باید پاک باشد، می‌گوییم وقتی حجاب نباشد، حیا از بین خواهد رفت و از فرد بی حیا، هر کار ناپسند و زشتی ممکن است سربرزند، در نتیجه دل هم پاک نخواهد ماند.

چگونه گوهر حیا را در وجود خود تقویت کنیم؟

اول باید ببینیم حیا باعث می‌شود انسان چه رفتارهایی داشته باشد. سپس باید آن مجموعه رفتارها را دائماً انجام بدهیم و بر آن مداومت کنیم؛ برای مثال، حیا باعث می‌شود شخص خود را کامل بیپوشاند. وقتی خودمان را کاملاً بیپوشانیم، این کار باعث تقویت حیا در وجودمان می‌شود. حیا باعث می‌شود انسان هر حرفی را بر زبان نیاورد و مواظب طرز سخن گفتن خود باشد. وقتی از گفتار و زبانمان مواظبت و مراقبت کنیم، گوهر حیا در وجودمان تقویت می‌شود.

❖ حجاب عامل حفظ غیرت

به صورت فطری و طبیعی، صفتی در انسان ها وجود دارد به نام غیرت. به وسیله ی این صفت، انسان تلاش می‌کند از آنچه دارد دفاع کند و همچنین آن ها را از گزند مزاحمت دیگران حفظ کند. علاوه بر این، امور ناپسند را تغییر دهد و در نتیجه زشتی ها و ناپسندی ها را از بین ببرد و خوبی ها را تقویت کند. یکی از انواع غیرت، غیرت به حریم خانواده است. در واقع، غیرت حسی درونی است که

برای محافظت از حریم خانواده در وجود مرد نهاده شده است. مرد با همین صفت غیرت، ناموس خود را از دسترس لذت جویی دیگران و نگاه های آلوده دور می کند و همسر خود را در انحصار خود نگه می دارد.

البته منظور ما غیرت منفی و نابجا نیست، بلکه منظورمان غیرت بجا و به موقع است؛ برای مثال، اگر مردی همسر خود را بدون دلیل، از حضور در اجتماع، تحصیل علم و... منع کند این غیرت نیست و پیامدهای منفی بسیاری خواهد داشت.

دکتر شانتی فلدهان روان شناس آمریکایی می گوید:

« مرد باید باتوجه به ارزش های درونی زن، او را از هرگونه ناهنجاری های اخلاقی دور سازد.»

❖ حجاب میراث ملی

یکی از افتخارات تمدن ایران در برابر دیگر تمدن ها بحث پوشش زنان ایرانی است. فرهنگ برهنگی که همان فرهنگ حیوانات است، فاجعه ای است که در همین چند ده سال از فرهنگ غربی به مشرق زمین راه یافته است؛ اما چادر و پوشش، میراث ملی و یادگار تمدن چندهزار ساله ی ایرانی است. ویل دورانت، تاریخ نگار آمریکایی، می گوید:

« در نقش هایی که در ایران باستان بر جای مانده، چهره ی هیچ زنی دیده نمی شود.»

در ایران باستان، زنان اشراف همه پوشیده بودند؛ ولی زنان طبقات پایین و زنانی که جایگاه اجتماعی نداشتند، بدون پوشش کامل در جامعه حضور پیدا می کردند. اسلام این تبعیض را کنار گذاشت و گفت پوشیدگی برای همه ی زنان است؛ همه باید از این کرامت برخوردار باشند، این تکریم فقط متعلق به زنان اشراف و حاکمان نیست.

اصلاً کاری به دین نداریم؛ ایرانی که هستیم. همان طور که مقیدیم میراث و رسوم صحیح ایران زمین و همچنین زبان شیرین فارسی حفظ شود، باید مقید باشیم فرهنگ حیا نیز که یادگار تمدن چندهزارساله ی ایرانی است، حفظ شود. در تخت جمشیدی که بیانگر تاریخ ایران ماست و قدمتی

چند هزار ساله دارد، چرا عکس یک زن برهنه، کنده کاری نشده است؟ آیا این نشانگر وجود فرهنگ حیا در اجداد ما نیست؟

❖ پوشش و سلامتی بیشتر

جدای از تأثیرات اجتماعی و بیرونی پوشش، «جسم و روان» انسان نیز تحت تأثیر مستقیم لباس اوست. چطور؟

۱- ارتباط پوشش و سلامتی جسم:

متخصصان پزشکی می گویند هیجان و اضطراب عامل ایجاد بسیاری از بیماری هاست و آن ها را تشدید می کند. ما نیز قبلاً توضیح دادیم که چگونه پوشش نامناسب یا برهنگی موجب ایجاد اشتغال فکری و در نتیجه اضطراب و هیجان خواهد شد. وقتی هیجان های جنسی به سطح عمومی جامعه کشانده شود و افکار مردم در طول روز با آن درگیر باشد، طبق نظر پزشکان، همین هیجانات مداوم و همیشگی، خودش را از عوامل مهم بیماری است. بنابر تحقیقات علمی، هیجان ها و استرس های روحی و روانی در ایجاد بیماری های جسمی مزمن از جمله سرطان نقش بسیاری دارد.

۲- ارتباط پوشش و سلامتی فکر:

چنانچه گفتیم، وقتی حریم و حجابی میان زنان و مردان نباشد، طبیعتاً «هیجانات و التهابات جنسی» شدت خواهد گرفت و خیلی زود به عطشی روحی تبدیل خواهد شد. همچنین می دانیم که نفس انسان، سیرشدنی نیست. اگر نفس بشر سیری پذیر بود امروز در غرب این چنین «مسئله جنسی» به بحران تبدیل نمی شد. حالا به این نکته توجه کنیم که نمی توان به «عطش روحی افراطی» و «زیاده خواهی جنسی»، پاسخ داد.

انسانی هم که کنترل نفس خود را از دست بدهد و زیاده خواه باشد، همیشه با احساسی از «محرومیت و دست نیافتن به آرزوها» مواجه خواهد بود؛ در نتیجه این تشنگی، به اختلالات روحی و بیماری های روانی منجر خواهد شد.

❖ پوشش و فطرت

انسان ها ویژگی های ذاتی ای دارند که نیازی به آموزش ندارد. این ویژگی ها به طور پیش فرض در وجود انسان ها نهاده شده است.

برای نمونه، انسان ها به طور ذاتی خوبی ها را دوست دارند؛ خوبی هایی مانند زیبایی. همچنین به طور فطری از « بدی ها و پلیدی ها » گریزان اند؛ مثل دروغ گویی. انسان ها ذاتاً دروغ گویی را صفت اخلاقی بدی می دانند؛ البته اگر این میل فطری، دست کاری نشده باشد. احتمالاً دیده اید افرادی را که انگار نافشان را با دروغ و دروغ گویی بریده اند، به خاطر اینکه که « میل فطری » چنین افرادی در « بستر تربیتی نامناسب » دچار تغییر شده است. پوشیدگی نیز ویژگی ای است که انسان ها به طور فطری به آن میل دارند، خود شما از برهنگی احساس شرم نمی کنید؟

علاوه بر آنکه، در طول تاریخ، مردم سرزمین های مختلف هر کدام به شکلی پوشیدگی را رعایت می کردند و برایشان اهمیت داشت، ادیان آسمانی نیز به موضوع پوشش توجه کرده و برای آن احکام خاصی وضع کرده اند. توجه ادیان و اقوام مختلف نظیر « مآدها، هخامنشیان و اشکانیان » به پوشش، آن هم در دوره های مختلف تاریخ، دلیلی مهم بر فطری بودن آن است.

❖ پوشش عامل کنترل حرص

همان طور که گفتیم، زن و مرد، هر دو به جنس مخالف خودشان نیاز دارند؛ هم نیاز عاطفی و هم نیاز جنسی؛ ولی با یک تفاوت، نیاز مرد بیشتر جنسی است و نیاز زن بیشتر عاطفی. با ترویج برهنگی و در نتیجه ایجاد برانگیختگی های جنسی در جامعه، مردان بیمار نیز از لحاظ جنسی فعال تر خواهند شد و زیاده خواه می شوند.

نتیجه ی این زیاده خواهی در مردانی که تسلطی بر خود ندارند، چیست؟ طبیعتاً روی آوردن به خیانت و انحراف جنسی. دود این زیاده خواهی نیز خیلی زود به چشم خود زنان خواهد رفت. چطور؟
دکتر جان گری می گوید:

« اگر زن احساس کند که با زن دیگری مقایسه می شود یا با زن دیگری مجبور است رقابت کند، نمی تواند در فضایی سالم رشد کند. اگر احساس کند همسرش روابط نامشروع دارد، ممکن است عشقش کاملاً سرکوب شود. او نیاز به فضایی پاک و راحت دارد تا شکفته شود.»

خودنمایی و تبرج در جامعه مانند همان مثال معروف « سوراخ کردن کشتی » است؛ بالاخره خود شخص را هم غرق خواهد کرد. امروز « این زن » با خودنمایی خود، همسر زن دیگری را به « اختلالات جنسی » می کشاند و فردا « زنی دیگر » همسر خودش را و این چرخه، پسرعت ادامه خواهد یافت تا بخش زیادی از جامعه به « خیانت و طلاق و تنش خانوادگی » کشیده شوند. همان بحرانی که امروز به صورت وحشتناکی در کشورهای غربی سربرآورده است. چرا در کشورهای غربی این قدر آمار خیانت بالاست؟ تا اینجا از ضرورت پوشیدگی و آسیب های فرهنگی صحبت کردیم. پس از اثبات اصل پوشیدگی حتماً نوبت به این سوال خواهد رسید که اندازه ی این پوشیدگی تا کجاست؟ شکل آن چگونه است؟ و...

بهترین پوشش

چندسال پیش اسلام خوردن گوشت خوک را ممنوع کرده بود؟ حالا پس از گذشت هزار و ۴۰۰ سال از آن روز، علم پزشکی مضرات گوشت خوک را شناسایی کرده است.

بنابر نتایج شانزده مقاله ی معتبر علمی، دست کم هشت انگل خطرناک در گوشت خوک موجود است که هرکدام از این انگل ها به تنهایی خودش عامل مهمی در ایجاد بیماری است.

اسلام هزار و ۴۰۰ سال پیش مصرف شراب را ممنوع اعلام کرده بود؛ ولی حالا از لحاظ علمی، عوارض خطرناک آن شناخته شده است؛ سرطان روده، سرطان پستان، سرطان دهان، سرطان گلو، سرطان مری، سرطان حنجره و سرطان کبد از پیامدهای مصرف مشروبات الکلی است.

ده ها مثال دیگر وجود دارد درباره ی اینکه دانشمندان پس از گذشت صدها سال، فلسفه ی دستورات اسلام را کشف کرده اند. این مثال ها به وضوح نشان می دهد در پس دستورات دینی، تا چه اندازه حکمت های عقلی، پزشکی و روان شناسی و... نهفته است. اکنون که به منطق اسلام در احکام زندگی پی بردیم؛ ببینیم

مشخصاً نظر این دین آسمانی درباره ی نوع پوشش چیست. با توجه به ضرورت هایی که گفته شد، پوشش عفیفانه پوششی است که دارای ویژگی های زیر باشد:

- ۱- طوری باشد که موجب جلب نظر نامحرم نشود. حتی اگر چادر هم باشد و در آن جذابیتی وجود داشته باشد که موجب جلب توجه نامحرم شود، فایده ای ندارد؛ مثل چادر ملی اندامی! حالا چه رسد به مانتو یا لباس های دیگر که در آن حجم قسمت هایی از بدن نمایان است.
- ۲- لباس آقایان باید مختص به آقایان و لباس بانوان باید مختص به بانوان باشد و زن و مرد از پوشیدن لباسی که اختصاص به جنس مخالف دارد، اجتناب کنند.
- ۳- لباسی که می پوشیم نباید لباس اهل گناه و کسانی باشد که خدا را قبول ندارند.
- ۴- لباس موجب خدشه دار شدن شخصیت انسان و انگشت نما شدن او در میان مردم نشود.
- ۵- بدن زن به جز گردی صورت و میچ دست به پایین (آن هم بدون آرایش و زیورآلات) نباید آشکار شود. با این اوصاف آیا چادر از نظر اسلام واجب است؟ قطعاً خیر! خواسته ی اسلام از ما پوششی عفیفانه مطابق با شرایط گفته شده است. هر کسی می تواند با توجه به شرایط محیطی و عرفی خود، پوششی متناسب با شرایطش انتخاب کند. اما چطور وقتی بخواهیم وسیله ای بخریم، می گردیم تا بهترینش را پیدا کنیم؟ حالا اگر کسی بپرسد بهترین پوشش، چه پوششی است، خواهیم گفت: « چادر ».

❖ پوشیدگی بیشتر

مانتو، شلوار، مقنعه ، روسری، عبا و...

همه ی این ها پوشش و حجاب هستند؛ اما مهم است که ببینیم کدام یک بهترین و بیشترین میزان پوشیدگی را به ارمغان می آورد.

ما همیشه دنبال « بهترین » هستیم؛ اگر در انتخاب پوشش هم « بهترین » را جستجو کنیم، خواهیم دید تنها چادر است که می تواند به بهترین شکل همه ی دلایل بیست گانه را تأمین کند. در مقایسه با پوشش های دیگر که هر کدام بخشی از بدن را می پوشاند، چادر تمام بدن را خواهد پوشاند و به نوعی کم دغدغه ترین لباس خواهد بود. البته باز هم چادر داریم تا چادر!

جمع بندی:

هیچ پسری نمی تواند بگوید من دوست دارم چشم چرانی کنم، هر کسی نمی خواهد خودش را بیوشاند و هیچ دختری نمی تواند بگوید من خودم را نمی پوشانم، پسرها چشمشان را کنترل کنند؛ این دو وظیفه در کنار هم قرار دارند. خانم ها توجه داشته باشند، افراد وقتی در فضایی شهوانی قرار بگیرند، عقلشان به شدت تحت تأثیر شهوتشان قرار می گیرد و در فضای غیر عادی، غیر معقول عمل می کنند. علت اینکه می بینید آمار خشونت جنسی در کشورهای غربی آن هم با مصرف الکل و حمل اسلحه این چنین بالاست، همین است! یادمان نرود، اسلام با حضور زن در اجتماع البته با رعایت حدود عقلی و شرعی موافق است. حتی برای کوشش و تحصیل علم او پاداش مشخص کرده است؛ اما همین اسلام می گوید برای اینکه جامعه استوار و محکم باشد، جذابیت های جنسی را به جامعه نکشاند و در خانه محدود کنید.

منابع:

داوری دولت آبادی عماد، ترگل (بیست دلیل عقل و روان شناسی برای پوشیدگی)، قم، انتشارات اعتلای وطن